

The role of Imam Khomeini's political ethics in the efficiency of the Islamic Republic of Iran

Received: 2021-06-14

Accepted: 2021-08-13

Reza Lakzaei *

The purpose of this study is to investigate the role of Imam Khomeini's political ethics in the efficiency of the Islamic Republic of Iran. Using descriptive-analytical method, political ethics from Imam Khomeini's point of view and its efficiency in resolving and controlling crises, institution building, country building and holy defense management have been studied. The findings show that Imam Khomeini considered the systematic, organized, sincere and loving presence of the people as the main and key factor of efficiency and overcoming crises. The efficiency he considers has three layers of insight, inclination and action; The government and the people will pave the way for success and efficiency by using the available facilities and doing things responsibly and responsibly.

Keywords: Imam Khomeini, political ethics, efficiency, sacred defense, political action.



* Assistant Professor, Imam Sadiq Research Institute, Qom Iran (rlakzaee@gmail.com).

نقش اخلاق سیاسی امام خمینی در کارآمدی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۴

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۵/۲۲

رضا لک‌زایی*



نقش اخلاق سیاسی امام خمینی در کارآمدی جمهوری اسلامی ایران

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش اخلاق سیاسی امام خمینی در کارآمدی جمهوری اسلامی ایران است. با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، اخلاق سیاسی از منظر امام خمینی و کارآمدی آن در حل و فصل و مهار بحران‌ها، ساخت نهادها، سازندگی کشور و مدیریت دفاع مقدس مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که امام خمینی حضور نظام‌مند، سازماندهی شده، مخلصانه و عاشقانه مردم را عامل اصلی و کلیدی کارآمدی و گذر از بحران‌ها می‌داند. کارآمدی مدنظر ایشان سه لایه بینشی، گرایشی و کنشی دارد؛ دولت و مردم با استفاده از امکانات موجود و انجام مسئولانه و متعهدانه کارها، زمینه‌ساز موفقیت و کارآمدی خواهند شد.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، اخلاق سیاسی، کارآمدی، دفاع مقدس، کنش سیاسی.

* استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، قم، ایران (rlakzaee@gmail.com).

دهه شصت، پرچالش‌ترین دهه جمهوری اسلامی ایران بود که توانست با اقتدار از آن عبور کند. در عین حال در تدوین و تبیین آن، به‌طور بایسته‌ای عمل نشده‌است؛ از این‌رو، مسئله مقاله حاضر، بررسی «نقش اخلاق سیاسی امام خمینی در کارآمدی جمهوری اسلامی ایران در بحران‌های دهه اول نظام جمهوری اسلامی (از ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ تا خرداد ماه ۱۳۶۸) است.» شاید نتوان سخنی یا نوشته‌ای از امام به‌دست آورد که در آن آموزه‌های اخلاقی نباشد، البته در این قسمت باید اخلاق را از ضلع سیاسی آن نگریست. در ادامه، با تبیین اخلاق سیاسی از منظر امام، به کارآمدی آن در حل و مهار بحران‌ها و ساخت نهادها (بی‌نا، ۱۳۸۱)، سازندگی کشور و مدیریت دفاع مقدس پرداخته خواهد شد. روشن است که بعد از شناخت آن تجربه، لزوم تکرار آن ضروری است.

نکته قابل تأکید آن است که دیدگاه امام خمینی محدود به ذهن یا کاغذ نبوده، بلکه با بدست گرفتن رهبری انقلاب این دیدگاه منشاء عمل و انضباط اجتماعی شده است. به‌عنوان نمونه، جنگ هشت ساله تحمیلی نبردی بود که در آن دفاع، مجاهدت و فداکاری مثال زدنی از سوی رزمندگان به نمایش گذاشته شد. همچنین فعالیت‌های جهاد سازندگی در ایران، زمینه همگرایی و انجام فعالیت‌های جهادی از سوی مردم روستاها شد. اولین سطر پیام امام خمینی در تأسیس جهاد سازندگی در سال ۵۸ این جمله است: «ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۸، ص. ۱۷۹).^۱ نکته کلیدی نهفته در تأکید حضرت امام بر حضور مردم این است که مردم همدلانه، مسئولانه و فداکارانه، دست به اقدامی عقلانی و اخلاقی می‌زنند که به نفع دیگران است و ظاهراً خودشان هیچ نفع مادی شخصی از سازندگی در روستاها نمی‌برند. این نگرش، در مقابل نظریه انتخاب عمومی که از شعور عادی و عقل متعارف سرچشمه می‌گیرد، قرار دارد (الوانی، ۱۳۷۸، ص. ۱۹-۵).



۱. فعالیت‌های موفقیت‌آمیز جهاد سازندگی از جمله موضوعاتی است که در مقالات و رساله‌های دانشگاهی خارج از کشور به آن پرداخته شده‌است. از جمله موضوع رساله دکتری در یکی از دانشگاه‌های آمریکا با عنوان «تاریخ سازمانی جهاد سازندگی ایران: از ابتدا تا نهادهای سازی (۱۹۷۹-۲۰۱۱)» می‌باشد که توسط اریک سندر لوب در ۲۰۱۳ در دانشگاه پرینستون واقع در ایالت نیوجرسی آمریکا دفاع شده‌است. برای دسترسی به متن رساله ر.ک:

https://dataspace.princeton.edu/jspui/bitstream/88435/dsp019w032313q/1/Lob_princeton_0181D_10736.pdf

نظریات گوناگونی درباره کارآمدی ارائه شده است که از آن جمله می‌توان به نظریه توفیق، نظریه نظام‌وار، نظریه رضایت، نظریه نسبت و نظریه استصلاح اشاره داشت (زهیری، ۱۳۹۷، ص. ۲۳۲؛ رضوانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۸۵-۱۸۸). هرچند درباره کارآمدی کارها و پژوهش‌های متعددی انجام شده است، اما باید اذعان داشت که هنوز در ابتدای این مسیر قرار داریم.

یکی از اولین آثار در حوزه کارآمدی حکومت؛ مباحثی در مشروعیت و کارآمدی است. این کتاب با عنوان *الحکومه: دراسات فی مشروعیتها و فاعلیتها* (لاریجانی، ۲۰۰۱)، به عربی هم ترجمه شده است. تقریباً همه تحقیقاتی که پس از این کتاب به رشته تحریر درآمده‌اند، از این اثر استفاده کرده و به آن ارجاع داده‌اند. اثر دیگر تجربه کارآمدی حکومت ولایی است. این کتاب ضمن برشمردن نظریه‌های کارآمدی، دیدگاه خود را با عنوان «نظریه تکلیف» ارائه کرده است (ذوعلم، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۲). کتاب *درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام* نیز ضمن پرداختن به مفهوم نظری و عملی کارآمدی و کارایی در نظام سیاسی اسلامی و شاخصه‌های آن، راهکارهایی درخصوص افزایش کارآمدی نظام فعلی جمهوری اسلامی نیز پیشنهاد داده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳، ص. ۱۶). در مقاله «کارآمدی حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی قدس سره» که قرابت بیشتری با بحث ما دارد، نویسنده با پرهیز از تقسیم‌بندی‌های رایج و نظریه‌ها، با استفاده از روش استقرائی، بیست مؤلفه کارآمدی حکومت اسلامی را از سخنان امام استخراج نموده است.

برخی از کتاب‌های لغت در تبیین مفهوم کارآمد نوشته‌اند: «آن که کارها را به نیکویی انجام دهد، آن که کار داند.» (دهخدا، ۲۰۱۳؛ اخوان کاظمی، ۱۳۸۳، ص. ۲۱) طبق این تعریف، نیک‌دانستن و نیک به‌کار بستن در دل این لغت جا دارد. در این پژوهش، همین معنا از کارآمدی در لغت مورد نظر است. در تعریف اصطلاحی کارآمدی از دیدگاه انسان‌شناسانه امام خمینی که مبتنی بر دستگاه حکمت متعالیه است، استفاده کرده‌ایم که نقش چارچوب نظری تحقیق حاضر را نیز ایفا می‌کند.

امام خمینی معتقد است که انسان سه لایه وجودی عقل، قلب و جسم دارد (۱۳۷۷، ص. ۳۸۶). این سه لایه، ضمن ارتباطی تشکیکی با هم، بر روی یکدیگر تأثیر متقابل نیز دارند. عقل مرکز اعتقادات و بینش، قلب مرکز عواطف و گرایش و جسم مرکز رفتار و کنش انسان است. مطابق اندیشه حکمت متعالیه، جهان هستی نیز از سه لایه درهم تنیده دنیا، برزخ و آخرت تشکیل شده است. بنابراین بین مراتب عوالم هستی و عوالم





وجودی انسان تناسب و ارتباط وجود دارد. بر همین مبنای انسان‌شناسانه و هستی‌شناسانه، کارآمدی هم متشکل از سه لایه عقلی - بینشی، اخلاقی - گرایشی و رفتاری - کنشی است. تکیه بر هر یک از این اضلاع، نوع خاصی از کارآمدی را ایجاد می‌کند. امام خمینی این سه را با هم و کاملاً درهم تنیده می‌بیند. کارآمدی هر یک از این اضلاع، در کارآمدی دیگری (مثبت یا منفی) کاملاً تأثیرگذار است. انسان سه لایه وجودی دارد، پس نیازهای انسان هم سه لایه هستند؛ حال اگر «چیزی» آن نیازها را تأمین کرد، آن «چیز» کارآمد است و اگر آن نیازها را تأمین نکرد، ناکارآمد است.

مدعای مقاله این است که امام خمینی با فعال کردن همه ابعاد وجودی مردم و با توجه به آیه «يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ» (جمعه، ۲)، یعنی اصلاح اندیشه‌ها و انگیزه‌ها، توانست همبستگی و انسجام مبتنی بر فضائل الهی را در جامعه ایجاد کند، به گونه‌ای که مردم، کشور و نظام سیاسی آن را از خود بدانند و مشکل دولت را هم مشکل خود و برای رفع آن بحران با تمام توان تلاش کنند. تحریم‌های اقتصادی و نظامی، تحریم انتخابات توسط برخی از گروه‌ها، ترور نخبگان فکری و سیاسی، ایجاد جنگ‌های داخلی، کودتا، تبدیل دانشگاه‌ها به اتاق جنگ، مشکلات انتقال قدرت و سرانجام حمله صدام به ایران از جمله بحران‌هایی بود که امام خمینی با دست مردم و با اتکا به خداوند توانست آنها را مهار و یا حل کند و با اقتدار از کنار آنها عبور نماید.^۱

جستجوهای نگارنده نشان می‌دهد که امام خمینی یک‌بار از واژه «کارآمدی» استفاده کرده‌است. ایشان با توجه به سابقه حزب کهنه کار توده، در تجلیل از نیروهای تازه‌کار خداجوی اطلاعاتی ایران، که توانسته بودند اعضای این حزب را دستگیر کنند، مطالبی نوشتند و ضمن کارآمد دانستن نیروها، از عملکرد آنان به اعجاز تعبیر کردند، اعجازی که باعث شگفتی سازمان‌های مطرح اطلاعاتی و جاسوسی جهان شده‌است (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۷، ص. ۴۲۱). از نظر امام خمینی این یک نمونه برجسته کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی است که جوانانی با کمی عده، عده و تجربه در یک کارزار پیچیده اطلاعاتی، تشکیلاتی و امنیتی توفیق یافتند اعضای کارکشته و باتجربه یک حزب را به دام بیندازند؛ ایشان این کارآمدی میدانی را، که ناظر به لایه کنشی کارآمدی است، به دو

۱. لوسین پای شش بحران را برشمرده‌است: بحران هویت، مشروعیت، نفوذ، مشارکت، ادغام و توزیع (ر.ک: اخوان کاظمی، ۱۳۸۳، ص. ۷۱).

لایه دیگر کارآمدی یعنی لایه‌های بینشی و گرایش پیوند می‌زند و آن را موفقیتی می‌داند که با هدایت خداوند متعال و عنایت ویژه ولی خدا (عج)، توسط افرادی عاشق راه خدا انجام شده‌است.

توجه به چند نکته در اینجا ضروری است:

۱- اگر همین کار بدون انگیزه الهی صورت می‌گرفت، امام خمینی از آن به «اعجاز» تعبیر نمی‌کرد و آن را کارآمد و اثربخش نمی‌دانست: «فرق است بین سرباز گمنامی که قدرت‌های مادی دنیا به آن فخر می‌فروشدند و بین سربازان گمنامی که پرورده اسلام و مکتب توحید است، که انگیزه آنان تحصیل قدرت و اکثراً ستم‌کاری است و انگیزه اینان خدا و طلب حق است.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۷، ص. ۴۲۱)

۲- این موفقیت به هدایت الهی و عنایات حضرت ولی عصر (عج) کسب شده‌است (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۷، ص. ۴۲۲).

۳- امام خمینی کار این جوانان دلباخته خدا را فداکاری و مصداق یک امر اخلاقی می‌داند.

۴- از نظر امام خمینی «خلق عبارت از حالتی است در نفس که انسان را دعوت به عمل می‌کند.» (خمینی، ۱۳۷۷، ص. ۵۱۰) روشن است که پدیدارنمودن خلق در انسان امری ارادی و اختیاری است و نه اجباری. به‌طور مثال، وقتی خلقی همچون سخاوت در جامعه نهادینه شود، طمع، حرص، اختلاس، ربا، دزدی، تکدی‌گری، اصالت دادن به ثروت و ... در آن جامعه مشاهده نخواهد شد. ایشان در این باره می‌نویسد: «سربازان گمنام ما در تمام جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها که شب و روز و جوانی و هستی خود را برای اسلام و مکتب الهی فدا می‌کنند و نام و نشانی نمی‌خواهند و ندارند، چه بسا که به سبب ضرورت تشکیلاتی، همسران و مادران و نزدیکان آنان ندانند که اینان چه حماسه‌ها می‌آفرینند و چه ارزش‌ها برای انقلاب خلق می‌کنند.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۷، ص. ۴۲۱) این سخن نشان از آن دارد که ایمان به خدا و نداشتن خلق و خوی شهرت‌طلبی، ضمن افزودن بر کارآمدی نیروهای سپاه اسلام، سبب شده‌است که امور محرمانه و اسرار کاری را به خوبی حفظ کنند؛ از سوی دیگر، به خوبی نشان‌دهنده ابعاد سیاسی اخلاق است.

۵- این که جوانانی مؤمن، تازه کار و با سن کم، توانسته‌اند حزبی کهنه کار و پیچیده را طوری به دام بیندازند که حیرت سازمان‌های اطلاعاتی جهان را برانگیزد، از نظر امام کارآمدی به شمار می‌آید.

۶- چنان که روشن است در این تحلیل امام، لایه‌های به هم مرتبط کارآمدی محسوس





است. به هدایت الهی در لایه اول، با فداکاری جوانان در لایه دوم، با عنایت حضرت حجت (عج) در لایه اول، مورد تأیید و بلکه شگفتی کارشناسان جهان در لایه سوم، جوانانی با امکاناتی اندک بر پیرانی باتجربه، با امکانات و تشکیلات پیچیده در لایه سوم موفق شده‌اند؛ بنابراین براساس چارچوب نظری بحث، همه نسبت‌ها درست است.

۷- حضور جوانان فداکار و مؤمن به تنهایی مهم است، چون جوانان به‌عنوان مظهر و منشأ کارآمدی از متن مردم برخاسته‌اند.

۸- با توجه به آنچه گفته شد، درصدد آنیم تا این تعریف از کارآمدی را با استفاده از نظریه سیستمی تبیین نماییم. براساس این نظریه، باید تعادل میان ورودی‌ها و خروجی‌ها را سنجید؟ درصورت برقراری نسبت مناسب بین ورودی‌ها و خروجی‌ها و تأمین تعادل سیستم، می‌توان این مجموعه را کارآمد دانست (لک‌زایی، ۱۳۹۸، ص. ۱۹۱).

با توجه به این بحث، انجام کار مسئولانه و متعهدانه و براساس اخلاص و فداکاری، موجب موفقیت و حفظ نظام سیاسی و تأمین رضایت رهبر، دولت و مردم شده که نشانه سیستم کارآمد است. البته کار ارزشمند و عبادت از منظر امام خمینی در مواقعی صرفاً تلاش و کوشش است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۶، ص. ۲۴۱). گاهی نیز شکست کاملاً نفی شده‌است: «کسی که رابطه با خدا دارد، شکست ندارد؛ شکست مال کسی است که آمالش دنیا باشد. ... تو متصل به خداوندی؛ خدا شکست نمی‌خورد: وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹)؛ (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱، ص. ۱۱۹). البته این به معنای نفی تشکیلات و تلاش کور و مهم نبودن کسب پیروزی ظاهری نیست؛ چرا که امام خمینی از قدرت نهاد، تشکیلات، سازمان و سازمان‌دهی غافل نبوده‌است. ایشان کار بدون برنامه و سازمان‌دهی را غلط می‌داند، زیرا سرانجام به شکست می‌انجامد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۳، ص. ۳۹۶). در ادامه، با بهره‌گیری از روش دلالت، که در دانش منطق (خواجہ نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۷، ص. ۷) و اصول فقه (عراقی، ۱۳۶۱، ج. ۱، ص. ۸۲) ارائه شده‌است، بحث را پی می‌گیریم. جستجوهای نگارنده حاکی از آن است که موضوع این مقاله برای اولین بار مطرح شده‌است.

۲- کارآمدی در عرصه بینش سیاسی

۱-۲) مشروعیت

این لایه از کارآمدی ناظر به نیازهای اعتقادی انسان است و با تأمین مشروعیت نظام سیاسی، به کارآمدی آن مدد می‌رساند. براین مبنا، تمامی نظام‌های سیاسی غیرالهی فاقد

این نوع مشروعیت هستند و جائز و غاصب به شمار می‌آیند. به تعبیر امام خمینی «این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر این که اطاعت او اطاعت خدا باشد؛ و بنابراین هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۵، صص. ۳۸۷ - ۳۸۸) اطاعت از خدا و در نتیجه نظام سیاسی الهی، کارآمدی این لایه را تأمین می‌نماید.

۲-۲) خودباوری

یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم لایه بینشی کارآمدی که امام خمینی بر آن تأکید دارد، خودباوری است. اگر باور انسان این باشد که می‌تواند، این خود اسباب کارآمدی را فراهم می‌آورد. به تعبیر امام خمینی، اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود. انسان اساس پیروزی و شکست است. باور انسان اساس تمام امور است، حال آن که ابرقدرت‌ها با تبلیغات دامنه‌دار، به دنبال این بودند که به کشورهای ضعیف بیاوراند ناتوان اند و هیچ کار مدیریتی و صنعتی را نمی‌توانند انجام بدهند (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۴، ص. ۳۰۶). بر این مبنای خودباوری و اعتماد به نفس، یکی از ارکان مهم کارآمدی را تشکیل می‌دهد؛ اگر یک دولت یا ملت به خودباوری و اعتماد به نفس برسد، می‌تواند در دیگران هم این خودباوری را شکوفا کند و باعث کارآمدی و پیشرفت کشور شود. اما اگر به جای خودباوری و دمیدن روح آن به دیگران، چشم به دیگران دوخت و منتظر کمک ماند، در آینده نزدیک دچار فروپاشی خواهد شد. لذا حضرت امام با خوش‌بینی، افق تازه‌ای مقابل چشم دولت و ملت می‌گشاید و با نوید پیروزی و موفقیت به آنها می‌گوید: «مطمئن باشید که در دراز مدت شما همه کار می‌توانید بکنید. ... با شجاعت وارد بشوید و کار خودتان را انجام بدهید.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۶، ص. ۸۴) و «خلاصه مطلب، ما باید بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۵، ص. ۳۱۰)

۳- کارآمدی در عرصه گرایش سیاسی

این لایه از کارآمدی مبتنی بر نیازهای عاطفی انسان است؛ تأمین این نیاز، به کارآمدی نظام سیاسی مدد می‌رساند. از آن‌جا که محور مقاله فوق، اخلاق سیاسی است، این مبحث به تفصیل ارائه خواهد شد.

۳-۱) محبت

قلب، کانون محبت و نفرت است. از منظر امام خمینی، مسئولان با اقدامات‌شان باید





محبت مردم را به دست بیاورند و نباید کاری کنند که باعث ترس شوند و در نتیجه مورد نفرت مردم قرار گیرند. وقتی مردم بترسند، از حکومت حمایت نمی‌کنند و این به ناکارآمدی آن حکومت می‌انجامد. در نقطه مقابل، اگر مدیران مورد توجه و محبت مردم قرار بگیرند، مردم از آن‌ها پشتیبانی و حمایت می‌کنند، آن وقت چنین حکومتی دچار ناکارآمدی نمی‌شود. امام خمینی می‌فرماید: «کاری نکنید که مردم از شما بترسند. شما کاری نکنید که مردم به شما متوجه بشوند. شما کاری نکنید که مردم محبت به شما بکنند؛ پشتیبان شما باشند. اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۸، ص. ۳۷۲)

اما داستان همین‌جا خاتمه نمی‌یابد. امام خمینی به تأثیر بینش بر گرایش هم اشاره می‌کند که عشق به خداوند متعال، عشق به تمامی انسان‌ها و بلکه تمامی موجودات را در پی دارد. هنگامی که کسی چیزی یا کسی را دوست داشته باشد، به آثار و متعلقات محبوب هم محبت پیدا می‌کند و از علاقه به شیء، علاقه و گرایش به آثار شیء، که صورت تنزل حب به شیء است، تولید می‌شود (خمینی، ۱۳۸۱، ج. ۲، ص. ۱۴۰).

امام محبت انبیا به انسان‌ها را ناشی از همین نگاه و عشق آن بزرگواران به خداوند متعال می‌داند و تصریح می‌کند: «انبیا و مرسلین به واسطه ادراک کامل خود، همان عشق و محبت شدیدی که به حضرت حق دارند، نسبت به آثار و متعلقات او هم دارند و الا معقول نیست پیامبری هزاران زحمت را متحمل گردد به این امید که کسی را هدایت کرده و از ضلالت برهاند. از اینجاست که حقیقتاً حضرت خاتم، ما را بیشتر از خودمان دوست دارد؛ لذا اگر کسی قبول هدایت نمی‌کرد، حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از غایت محبت به وی از این که او در ضلالت مانده، نفس مبارکش ضیق و دلش می‌سوخت. «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (کهف، ۶) چرا که بیش از همه، کمال مبدأ را ادراک می‌کرده و در نتیجه بیش از همه به او محبت داشته‌است و نیز به متعلقات و آثار محبوب که ظل اوست، عشق زیادتری داشته‌است.» (خمینی، ۱۳۸۱، ج. ۲، ص. ۱۴۰)

بنابراین به اعتقاد امام خمینی، دولت، یعنی نظام حاکم و نه فقط قوه مجریه، که قدرت را در دست دارد و رئیس دولت - رهبر نظام - و سایر کارکنان و مدیران دولت، عاشق مردم هستند و در عین قدرت با محبت با مردم برخورد می‌کنند نه با خشونت. چون محبت - و به تعبیر امام فطرت - کیمیایی است که به تعبیر لاک «بسیار قوی‌تر از علقه خونی، افراد بشر را به هم پیوند می‌زند.» (فاستر، ۱۳۸۸، ج. ۲، ص. ۷۹۸)

از نگاه عارفانه امام خمینی، اگر کسی نگاهش به موجودات و مخصوصاً انسان‌ها از سر مهر، رحمت و محبت نباشد، [ناکارآمد محسوب می‌شود] و ناشی از کوتاه‌بینی و کوتاه‌نظری آن شخص و بلکه مکتب، دولت، حکومت و جهان‌بینی اوست (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۶، ص. ۲۱۸). از این‌رو، امام خمینی برخلاف آگوست کنت که با تفکیک قدرت و محبت می‌گوید: «قدرت باید به نیرومندترین افراد و نه با محبت‌ترین آنها تعلق داشته باشد» (فاستر، ۱۳۸۸، ج. ۲، ص. ۷۹۸)، میان قدرت، محبت و حقیقت پیوند و همبستگی کامل برقرار می‌کند.

۲-۳ رضایت

مرکز رضایت و نارضایتی دل انسان است؛ از درون محبت، رضایت متولد می‌شود. جلب رضایت مردم با دست محبت، باعث کارآمدی و حفظ نظام سیاسی و نارضایتی سبب ناکارآمدی و ازدست رفتن قدرت نظام سیاسی حاکم خواهد شد. از منظر امام خمینی، مردم زود راضی می‌شوند و یک نوازش از یک نفر صاحب منصب برای مردم کافی است که تا مدت‌ها این‌ها دل‌شان از او راضی باشد (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۷، ص. ۵۱۲). امام خمینی معتقد است که اگر رژیم پهلوی، نیمی از قدرتش را صرف کسب رضایت مردم می‌کرد، سقوط نمی‌کرد (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۷، ص. ۵۱۲). بنابراین تلاش برای کسب رضایت قلبی مردم باعث کارآمدی نظام و در نتیجه حفظ نظام سیاسی می‌شود که راهکار آن، داشتن اخلاق اسلامی است.

۳-۳ تواضع

موطن تواضع و کبر دل انسان است. دوست داشتن مردم و تلاش برای کسب رضایت آنان بدون تواضع نسبت به مردم، نقصان دارد؛ به همین جهت از منظر امام خمینی، بین قدرت و تواضع نوعی وزن‌کشی وجود دارد. به این معنا که هرچه قدرت و اقتدار کارگزار و یا نظام سیاسی افزایش می‌یابد، باید بر تواضع او هم افزوده شود، به گونه‌ای که مردم در عمل این افزایش تواضع را ببینند، نه آن‌که در حرف فقط ادعای تواضع داشته باشد، زیرا هر قوه‌ای پایگاه ملی پیدا می‌کند، پایگاه ملی او را حفظ می‌کند (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۷، ص. ۵۱۱ - ۵۱۲).

۴-۳ استقامت

استقامت و نترسیدن از غربت و تنهایی از دیگر اسباب مهم کارآمدی است. بر این اساس یک دولت و ملت متکی به خدا، از تنهایی و غربت و کمبود امکانات هراس به خود راه





نمی‌دهد، بلکه با ثبات قدم و توکل بر خدا به سوی هدف خود حرکت می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت، ۳۰)» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱، ص. ۱۵۸). الگویی کارآمدی امام خمینی حضرت رسول الله ﷺ است (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۹، صص. ۵۴ - ۵۵).

۳-۵) زهد

زهد یعنی به دنیا دل نبستن، نه کار نکردن و از دنیا استفاده نکردن. زهد یکی از کلیدواژه‌های طلایی اخلاق سیاسی به‌شمار می‌آید؛ چون تا زمانی که مبارز، اسیر و دربند خواسته‌ها و تمایلات خود و دیگران باشد، هرچه قدرت او فزونی یابد، ناکارآمدی و فساد او بیشتر می‌شود. زهد در اخلاق سیاسی امام خمینی به این معناست که قدرت با روح و جان صاحب قدرت پیوند عاشقانه برقرار نکند و حال دل کارگزار و مدیر سیاسی قبل و بعد از زندگی مقتدرانه یکسان باشد. امام خمینی در این زمینه، شهید رجایی را مثالی می‌داند که روحیه ایشان، از زمانی که دست‌فروشی می‌کرد تا زمانی که وزیر، نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور شد، تغییر نکرد. شهید رجایی در برابر جلوه قدرت ضعف نشان نداد و به اسارت قدرت درنیامد، بلکه با توان روحی بالا، قدرت را به اسارت خویش درآورد (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۰، ص. ۱۲۴). براین مبنای زهد یکی از عوامل مهم کارآمدی در عرصه گرایش‌های سیاسی است که جایگزین ندارد.

۴- کارآمدی در عرصه کنش سیاسی

۴-۱) عمل به تکلیف

عمل به تکلیف در این بعد از کارآمدی نقش محوری دارد. هرچند به نظر می‌رسد فهم عجولانه‌ای از عمل به تکلیف وجود دارد و آن این‌که همیشه و در همه حال، عمل به تکلیف مهم است و نتیجه اصلاً اهمیتی ندارد. حال آن‌که براساس دیدگاه امام خمینی، گاهی لازم است که براساس نتیجه، اقدام صورت بگیرد و گاه نیز، نتیجه فرع بر اقدام است و صرف‌نظر از نتیجه باید وارد وادی اقدام شد؛ گرچه امکان رسیدن به نتیجه دلخواه نیز وجود دارد، اما امر مهم، همان اقدام و عمل به تکلیف است. حضرت امام درخصوص این تفکیک گفته‌اند:

یک قسم از مسائل این طور است که انسان باید ملاحظه کند در این عملی که می‌کند، نتیجه حاصل می‌شود یا نمی‌شود؛ ... اگر مطمئن شد که به آن مقصد می‌رسد اقدام می‌کند، اگر مطمئن نشد اقدام نمی‌کند. (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۵، ص. ۱۸)

یک قسم از مسائل هم هست که انسان از طرف خدا تکلیف دارد، که اصل مطلب همان تکلیف است، البته ممکن است به نتایجی برسد یا نرسد. در این مسائلی که انسان تکلیف دارد اقدام کند، علم به حصول نتیجه لازم نیست؛ و لازم است که هدف انسان دنبال این باشد که به آن تکلیف عمل کند (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۵، ص. ۱۸). امام خمینی قیام امام حسین علیه السلام را بر همین مبنا تحلیل می‌کند که حضرت سیدالشهدا تکلیف داشته‌اند که قیام کنند، اگرچه علم داشتند که به نتیجه، یعنی پیروزی ظاهری، نمی‌رسند (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۵، ص. ۱۸).

براین اساس، کارآمدی در تکلیف دو بعد دارد؛ در مواقعی کارآمدی و رسیدن به نقطه مطلوب موضوعیت دارد، در صورت اطمینان به نرسیدن نتیجه، نباید نیروی مادی، معنوی و انسانی مصروف آن شود؛ در واقع اینجا تکلیف این است که چون به نتیجه نمی‌رسیم، اقدامی انجام نشود. در بعد دیگر کارآمدی، یک شخص یا یک نهاد بدون اطمینان از رسیدن به نتیجه باید دست به اقدام بزند؛ قیام امام حسین علیه السلام و واقعه عاشورا در این دسته‌بندی قرار می‌گیرد. در اینجا کارآمدی یعنی اقدام، حتی اگر پیروزی زود هنگام و ظاهری هم حاصل نشود؛ یعنی تکلیف آن است که باید، صرف نظر از نتیجه، اقدام کنیم. اعتقاد به خداوند متعال پشتوانه هر دو بعد کارآمدی است. در هر دو بعد باید تمام تدابیر و دیدگاه‌های تخصصی کارشناسان را به کار گرفت، چرا که توکل، تکلیف و تدبیر باهم قابل جمع‌اند.

۲-۴) وضع قوانین

امام خمینی با برشمردن نتایج سیاسی و اجتماعی اعتقاد به توحید در کارآمدی نظام سیاسی اسلام، یکی از موارد آن را وضع قوانین معرفی می‌کند. مطابق این دیدگاه، هیچ فردی حق ندارد برای انسانی و یا جامعه‌ای و ملتی قانون وضع کند، چرا که درک و شناخت او بسیار ناقص است؛ سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده‌است (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۵، ص. ۳۸۷-۳۸۸). براین اساس کارآمدی در قانون الهی است و ناکارآمدی در قانون غیرالهی، چون شناخت غیرخدا از انسان، یک شناخت ناکارآمد و ناقص است.

۳-۴) کسب قدرت سیاسی

برای اجرا و تحقق احکام اسلام باید تلاش نمود تا قدرت را به دست گرفت و «از این جهت است که مبارزات اجتماعی ما علیه قدرت‌های استبدادی و استعماری آغاز



۱۱۳



می‌شود.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۵، صص. ۳۸۷-۳۸۸). روشن است که کسب قدرت بر کارآمدی و استحکام نظام سیاسی می‌افزاید و نظام سیاسی را در حل و مهار بحران‌ها کمک می‌کند؛ لذا به دستور امام خمینی «باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به‌وجود آورد.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۲۱، ص. ۱۹۵)

۵- روش دستیابی به کارآمدی

زمانی نظام سیاسی و ساختارهای گوناگون آن کارآمد هستند که اراده‌های فراوان کمی و کیفی در سه عرصه بینشی، گرایشی و کنشی از آنها حمایت کنند. هرچه میزان اراده‌ها بیشتر باشد، کارآمدی نیز افزایش خواهد یافت. در این تلقی، هم اراده و هم کارآمدی تشکیکی در نظر گرفته شده‌اند. دیدگاه امام خمینی در همین باره قابل تحلیل است. امام خمینی تصریح نموده‌اند که دولت بدون پشتیبانی مردم نمی‌تواند کاری انجام بدهد و دولت اگر می‌خواهد و تصمیم و اراده آن را دارد که به همه مردم خدمت کند، باید همه مردم را در صحنه نگه دارد (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۹، ص. ۳۴). اکنون پرسش مهم این است که دولت چگونه می‌تواند همه مردم را در صحنه نگه دارد؟ امام خمینی پاسخ را در قالب یک مثال اقتصادی توضیح و تعمیم می‌دهند که «تجارت هم همین‌جور است. صنعت هم همین‌جور است.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۹، ص. ۳۵) ایشان معتقد است بعد از انقلاب اسلامی و با تأسیس نظام اسلامی و اسلامی‌سازی، دولت باید الگویی را دنبال کند که برخی از اصول آن را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- ۱- اصل بنیادین این است که بازار را (مردم را) در کارها شریک کنید و از برنامه‌تان کنار نگذارید.
- ۲- انجام کارهایی که مردم نمی‌توانند انجام بدهند، وظیفه دولت است.
- ۳- دولت کارهایی را که هم خودش می‌تواند انجام دهد و هم مردم، اجازه بدهد مردم انجام دهند و نباید در انحصار دولت باشد.
- ۴- اگر دولت سد راه مردم شود این کار خلاف شرع، خلاف آزادی مردم، خلاف اخلاق، مردود و محکوم است.
- ۵- وظیفه دولت نظارت و مدیریت است و در نتیجه نباید دولت دخالت کند؛ همچنین نباید دولت همه کارها را خودش انجام بدهد، به تعبیر دیگر دولت معمار است نه کارگر و نه بنا.

۶- ملاک نظارت دولت در نظر گرفتن مصالح اسلام و جمهوری اسلامی و جلوگیری از انحراف است تا به طور مثال، بازار از کالاهای لوکس پر نشود.

۷- اولویت، خدمت به قشر محروم و مستضعف جامعه است که انقلاب بر دوش آنها بوده است (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۹، ص. ۳۵).

آن‌گاه امام خمینی ضمن مثال دیگری می‌فرماید: اگر به این فرمول عمل نکنید، موفق نخواهید شد و کارآمدی نخواهید داشت (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۹، ص. ۳۵). بنابراین کارآمدی وقتی چهره نشان می‌دهد که مردم با اتکال به خدا و وحدت کلمه در صحنه باشند. در این بخش از نوشتار، اجمالاً این دیدگاه نظری امام را بر عملکرد ایشان در دهه اول انقلاب تطبیق خواهیم داد.

۶- تطبیق دیدگاه کارآمدی امام خمینی بر دفاع مقدس

از آن‌جاکه بارزترین حضور سیاست در جنگ جلوه می‌نماید و یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های جهان با حمله صدام به ایران اسلامی و در زمان مدیریت و رهبری امام خمینی رخ داد، مدل رهبری امام در این برهه را با توجه به دیدگاه اخلاقی، مردمی و سیاسی ایشان در عرصه کارآمدی بررسی خواهیم کرد.

۶-۱) دفاع مقدس و تبدیل تهدید به فرصت

هرچند جنگ برای یک ملت تهدید است، اما امام خمینی این تهدید را به فرصت تبدیل کرد که یکی از اضلاع کارآمدی است؛ در همین زمینه اولویت، استفاده از فرصت‌ها است (استفاده از اقبال مردم به اسلام در تعیین جمهوری اسلامی به‌عنوان نوع نظام سیاسی کشور). سپس اگر کشور با تهدید مواجه شد، اولویت، تبدیل تهدید به فرصت است. در برخی مواقع، راهی برای تبدیل تهدید به فرصت وجود ندارد؛ گاهی نیز برای تبدیل تهدید به فرصت دو راه پیش‌روست: راه اول از بین بردن و ریشه‌کن کردن تهدید است (تلاش امام در بیدارساختن مردم عراق و سرنگونی صدام با انقلاب، دستور به خودکفایی در تمامی زمینه‌ها برای ریشه‌کن کردن تهدید تحریم‌ها)؛ اگر این امر نشدنی است، راه دوم کاهش میزان خسارت و تخریب است.

به تعبیر امام خمینی، این شر (یعنی جنگ)، که به‌حسب واقع خیر است، خیرات و برکاتی برای ما داشته [است]، از جمله: تبیین ضرورت وجود ارتش، شناساندن مجاهدین خلق، توانمندی دولت در نابودی گروهک‌ها و ضدانقلاب، وحدت و همبستگی مردم،





دور کردن خستگی و خمودی از انسان، پی بردن دشمن به قدرت ایران، بروز شجاعت انسان (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳، صص. ۲۴۷-۲۵۰).

۶-۲) حضور مردم قبل از دفاع مقدس

نظام انقلاب اسلامی ایران، یکی از نمونه‌هایی است که کارآمدی اندیشه و عمل امام خمینی را نشان می‌دهد؛ اما این پیروزی با همراهی مردم تحقق پذیرفت. بعد از پیروزی انقلاب، برخلاف تصور کسانی که معتقد بودند که مردم حالا باید بروند و در خانه‌هایشان بنشینند، امام خمینی صریحاً اعلام کردند که مردم باید در صحنه باشند. لذا در ساختار نظام اسلامی با هدایت امام، مردم نقش‌آفرین بودند از جمله در رأی دادن به اصل نظام سیاسی. تا پیش از این، در طول تاریخ ایران، هر کس که بر اریکه قدرت تکیه زده بود، نام خود یا قبیله‌اش را بر نظام سیاسی کشور می‌گذاشت و امام خمینی برای اولین بار با سنت‌شکنی، از مردم خواست که خود نام نظام سیاسی کشور خویش را برگزینند. در تدوین قانون اساسی، انتخاب خبرگان قانون اساسی، رأی به قانون اساسی، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس خبرگان و ... امام خمینی مردم را شریک کرد و حتی پیشنهاد تعیین صلاحیت کاندیداها را نپذیرفت.

امام خمینی در پیام رادیویی تشکیل جهادسازندگی متواضعانه خطاب به مردم چنین فرمودند: «ما دستمان را پیش ملت دراز می‌کنیم و از ملت می‌خواهیم که همه در این نهضت شرکت کنند و همه دست برادری به هم بدهند و این سازندگی و جهاد سازندگی را شروع کنند.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۸، ص. ۱۸۰)

ایشان درباره چگونگی حضور مردم اظهار داشتند که مأمورین دولت با مردم تشریک مساعی کنند و تحت نظر اشخاص کارشناس کارها انجام گیرد. روحانیون هم در این امر تشریک مساعی و نظارت نمایند. سپس امام در کلامی صمیمی به همه ملت و از جمله روستاییان می‌فرماید: «پس از این که به همه‌شان دعا می‌کنم و عرض ارادت، یک سفارش دارم و آن این که توجه کنند کسانی که برای ساختن و برای سازندگی و برای جهاد سازندگی در دهات می‌آیند، در روستاها می‌آیند، توجه کنند که مبادا خدای نخواستہ در بین آنها یک اشخاصی نباشد که برخلاف رویه ملت، برخلاف اسلام، مسائلی داشته باشند. اگر یک همچو اشخاص دیدند، فوراً آنها را از ده کنار بگذارند و نگذارند در بین جوان‌های ما، در بین روستاییان ما، تبلیغات سوئی بکنند.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۸، ص. ۱۸۰)

بنابراین مردم در سازندگی کشور نقش مهمی دارند؛ همین‌الگو در امور نظامی و

دفاعی هم باید پیاده شود، زیرا از نظر امام خمینی یک کشوری که بیست میلیون جوان دارد، باید بیست میلیون تفنگ‌دار داشته باشد، یک چنین کشوری آسیب‌پذیر نخواهد بود (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۱، ص. ۱۲۲). مراد از عبارت «همچه مملکتی آسیب‌بردار نیست» این است که کشوری که، در همه زمین‌ها و از جمله امور نظامی، متکی به مردم خویش است، هیچ‌گاه ناکارآمد نخواهد شد.

۳-۶ حضور همه مردم در جنگ

امام با فراخواندن همه مردم به دفاع می‌فرماید:

امروز، روزی است که تمام مردم باید از شهرهای خود دفاع کنند و به شهرهای جنگ‌زده کمک نمایند. امروز، روزی است که بر تمام ملت واجب است با سربازان و پاسداران اسلام و ایران همکاری لازم و نزدیک داشته باشند. امروز، روزی است که عشایر عزیز و غیور ما از مرزهای کشورشان باید دفاع نمایند. امروز، روزی است که ملت ما باید دست در دست سپاه و ارتش نجیب و دلیر گذاشته و به دشمنان بفهمانند که بر فرض محال اگر وارد شهری شدند، تازه با مردمی مسلح و جنگ‌جو مواجه خواهند شد که از وَجَب به وَجَب شهرشان دفاع می‌نمایند. امروز، روزی است که روحانیون ما در شهرها باید روح شهامت و شجاعت و شهادت را در کالبد مردم ما بدمند که بحمدالله دمیده شده‌است. امروز، روز اتحاد و یگانگی است و این هم از الطاف بزرگ و تأییدات الهی است که درست برخلاف تصور و خواست فتنه‌انگیزان و جنگ‌افروزان، همه توطئه‌ها و جنگ‌ها، به اتحاد و یکپارچگی ملت بیدار و زنده ما در برابر قدرت‌ها می‌انجامد، و ان شاءالله تعالی برای همیشه فکر تجاوز و سرکوبی انقلاب عظیم اسلامی ما را از سر این کوتاه‌فکران و خیره‌سران بیرون خواهد برد (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳، ص. ۲۴۴).

باید توجه داشت که منظور امام خمینی صرفاً حضور امواج انسانی و بدون نظم سلسله مراتبی و تقسیم کار در جبهه نیست، چون چنین سخنی مستلزم بی‌نظمی، خودسری، خودمختاری، اطاعت نکردن و در نتیجه ناکارآمدی است؛ بلکه امام خمینی با قبول نظام سلسله مراتبی، آن را در چارچوب اخلاق سیاسی و برادری که محور فلسفه سیاسی اسلام است، قرار می‌دهد و می‌فرماید: «رئیس باید طوری فرمان بدهد که برادر بزرگ به برادر کوچک دستور می‌دهد؛ دستوری که سرشار از رحمت است. آن کسی هم که دستور خطاب به او صادر شده، باید اطاعت کند و اَلَّا برادری نکرده‌است.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳، ص. ۴۹۲) بر این اساس در جامعه اسلامی، هر کسی در جایگاه خویش، کار خود را انجام



۳



می‌دهد، اما همه هدف و مقصد واحدی دارند.

۴-۶) حضور مردم در پشت جبهه

امام خمینی توان دولت را محدود می‌داند و معتقد است اگر همه کارها به بخشی از قوه مجریه مثل هلال احمر یا حتی تمام قوه مجریه واگذار شود، از عهده انجام آن بر نمی‌آید؛ اما اگر مردم به دولت کمک کنند، دولت در انجام مسئولیت‌هایش موفق خواهد شد:

دولت تنها نمی‌تواند که این جنگ را اداره کند. شما ملت هستید که می‌توانید دنبال او باشید و از پشت جبهه‌ها کمک کنید و باید بکنید. کشور خودتان است، کشور اسلامی است، اسلام در خطر است، وقتی این طور است همه ما باید و موظفیم که کمک کنیم به آنها؛ هر کس به اندازه‌ای که می‌تواند کمک بکند به آنها. آوارگانی که از جنگ آمده‌اند در جاهای دیگر زندگی می‌کنند، شما بنشینید بگویید دولت همه کار را بکند، یا هلال احمر همه کار را بکند، نمی‌توانند بکنند همه کارها را. کار آسانی نیست، شما هم باید کمک بکنید همه باید کمک بکنند و ان شاء الله، می‌کنند، الان هم همه دارند کمک می‌کنند، دلسرد نشوید. کاری که برای خداست دلسردی ندارد. اگر برای دنیا یک کاری بکنید، البته وقتی دیدید دنیا خیلی تأمین نشد دلسرد می‌شوید، اما کسی که برای خدا کار می‌کند دلسرد نباید بشود، معنا ندارد دلسردی. هر چه زحمت زیادتر، ارج زیادتر (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۵، ص. ۱۰۱).

۵-۶) چگونگی حضور مردم؛ تفاوت ما و صدام

امام خمینی براساس نظریه کارآمدی خویش که مبتنی بر حضور سازماندهی شده و عاشقانه مردم در حل معضلات و مشکلات کشور بود، با نقد نظام سیاسی جائر صدام و ناکارآمد خواندن آن تصریح می‌کند: «فرق مابین دولت ما و بین قوای انتظامی ما با آنها این است که این‌ها از ملتند و با ملتند و ملت هم با آنهاست.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳، ص. ۳۱۵) دلیلی که امام برای این سخن خود ذکر می‌کند، دلیلی تجربی است. ایشان می‌فرماید: «دلیلش هم همین است که ... سرتاسر ایران دارند کمک می‌کنند. اگر پیدا کردید یک دهی در عراق این جوری کمک کرده باشد به این‌ها، این‌ها به زور البته می‌گیرند، غارت می‌کنند، به زور می‌گیرند. اما اگر پیدا کردید یک ده را در تمام کشور عراق که جوان‌هایش، زن‌هایش، برای این‌ها نان بپزند و - نمی‌دانم - بسته‌بندی کنند! ندارند این‌ها.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳، ص. ۳۱۵)

۶-۶) حضور مردم پس از جنگ

امام خمینی که پیروزی انقلاب، برگزاری انتخابات‌های متعدد و موفق و اداره جنگ

تحمیلی را به مدد مردم انجام داده بود، بازسازی کشور پس از اتمام جنگ را هم به دست باکفایت مردم مؤمن، انقلابی و آزاده ایران اسلامی و براساس مدیریت و نظارت دولت می سپارد و به دقت چگونگی این کار مهم را تبیین می کند:

این مسئله بازسازی است بسیار مهم است، در بازسازی اگر بخواهد ملت سرخود کار بکند، فساد ایجاد می شود. اگر بخواهد دولت مستقل اجرا کند، قدرت ندارد. باید مردم همراهی کنند و هرچه قدرت دارند برای این امر مهم به میدان بیاورند، لکن با نظارت دولت. و راجع به این که کجا مقدم، کجا مؤخر، این بالاخره صحبت پیش می آید و آن طوری که صلاح است این است که هیئت تشخیص مصلحت باشد مرکب از سران کشور و نخست وزیر و تشخیص بدهند، تشخیص مصلحت بدهند که کجا باید اول باشد، کجا باید بعد باشد، وضعیت باید چه جور باشد. مردم خودشان داخل باشند، لکن مستقل نباشند و دولت باید به مردم مجال بدهد به این که در کارها داخل بشوند. و مردم هم باید به دولت مجال بدهند که با تائی و نقشه کشی این کار مهم را انجام بدهند؛ ممکن است دستهایی در کار باشند که بخواهند در همین مقوله هم راجع به بازسازی هم شلوغ کنند و فساد ایجاد کنند، این را باید خیلی متوجه باشند و این همان هیئت تشخیص مصلحت که مرکب از سران کشور است، آنها باید نظارت کنند در امور، لکن مردم را هم شرکت بدهند. چنانچه حالا بعد از جنگ است مردم باید در کارهای تجاری آزاد باشند لکن با نظارت دولت، که یک وقت - خدای نخواستہ - دوباره از آن چیزهایی که از خارج می آوردند و آن چیزهای فاسدی که می آوردند دوباره شروع نکنند. دولت اجازه بدهد مردم از خارج چیز بیاورند، تجارت کنند، لکن نظارت داشته باشد که فساد ایجاد نشود. این هم یک مطلبی است که مهم است و باید خیلی در آن دقت کرد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۱۱۶).

نتیجه

کارآمدی از مباحث مهمی است که می تواند اصل مشروعیت نظام اسلامی را تحت تأثیر قرار دهد. در دهه شصت و دوره رهبری ده ساله امام خمینی، کشور با بیشترین چالش ها و بحران ها روبرو بود و به توفیق الهی توانست از همه آنها به سلامت عبور کند. از این رو، در مقاله حاضر نقش اخلاق سیاسی امام خمینی در کارآمدی، مهار و حل بحران های دهه اول نظام جمهوری اسلامی با استفاده از روش دلالت مورد بررسی قرار گرفت. برخی از نتایج تحقیق عبارتند از:



۱۳



۱- نیازهای سه‌گانهٔ بینشی، گرایشی و کنشی انسان مبتنی بر ابعاد بینشی، گرایشی و کنشی اوست؛ رفع نیازهای کنشی، نیازهای ساختاری و ابزاری را پدید می‌آورد. کارآمدی نظام سیاسی منوط به برطرف نمودن این نیازها است.

۲- همان‌گونه که انسان ذوابعد است، هستی هم دارای ابعاد ملکی، مثالی و ملکوتی است. از این رو، لازم است که به تناسب و ارتباط نیازها در حوزه‌های انسان‌شناسی و هستی‌شناسی توجه شود و کارآمدی فقط در وجه مادی و دنیوی آن متمرکز نماند.

۳- تلاش صادقانه برای جلب رضایت مردم و برخورد متواضعانهٔ مسئولان با مردم در کنار ساده‌زیستی و زندگی زاهدانه و مقاومت مسئولان در برابر مشکلات، تهدیدها و تحریم‌ها باعث می‌شود که نظام اسلامی بتواند بر قلوب مردم حکمرانی کند. اگر نظام سیاسی به مردم و به همهٔ موجودات نگاه محبت‌آمیز نداشته باشد، ناقص است؛ موفقیت یک نظام سیاسی در ایجاد رابطهٔ مبتنی بر محبت و نه تهدید، به بقای آن نظام سیاسی منتهی خواهد شد.

۴- یکی از مهم‌ترین ابعاد کارآمدی، تبدیل تهدید به فرصت است. امام خمینی توانست حمله عراق به جمهوری اسلامی جوان را تبدیل به فرصت کند و آن را پله‌ای برای دست‌یافتن به اعتماد، خودباوری، خودکفایی، اقتدار و درهم شکستن هیمنهٔ دو ابرقدرت شرق و غرب قرار دهد.

۵- آنچه که دفاع مقدس را به نماد برجستهٔ کارآمدی جمهوری اسلامی ایران در دههٔ شصت تبدیل نمود، حضور مخلصانه و مجاهدانه مردم از یک سو و توان جذب، آموزش و سازماندهی نیروهای داوطلب از سوی دیگر بوده‌است. همچنین حضور مردم در جهاد سازندگی و در پشت جبهه و بازسازی ویرانی‌های پس از جنگ، از دیگر جلوه‌های کارآمدی است که در دفاع مقدس خوش درخشید.

۶- آنچه در کارآمدی دههٔ شصت نقش کلیدی ایفا نمود و همچنان هم به آن نیازمندیم، اخلاق سیاسی است. اخلاقی که بر محوریت فداکاری، محبت مسئولان به مردم و اطاعت عاشقانه مردم از مدیران و مسئولان، جلب رضایت مردم توسط مسئولان و مدیران میانی و خرد، زهد و ساده‌زیستی کارگزاران، شجاعت و نهراسیدن از دشمن، داشتن روحیه شهادت‌طلبی، برخورد متواضعانه با مردم در گردش باشد. اخلاقی که جنود عقل در آن بر جنود جهل سروری نماید.

منابع

قرآن کریم.

اخوان کاظمی، ب. (۱۳۸۳). درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام. تهران: دانش و اندیشه معاصر.

الوانی، م. (۱۳۷۸). نظریه انتخاب عمومی و ضرورت تحول در ساختار اداری. مطالعات مدیریت، ۶ (۲۳-۲۴)، ص. ۲۰-۵۲.

بی نا. (۱۳۸۱). امام خمینی و نهادهای انقلاب اسلامی (تبیان: آثار موضوعی؛ دفتر سی و هشتم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، ر.ا. (۱۳۷۷). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، ر.ا. (۱۳۷۸). صحیفه امام. (ج ۷-۸، ۱۳-۱۷، ۱، ۳، ۵، ۱۹-۲۱، ۱۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خمینی، ر.ا. (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه. (ج ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

خواجه نصیرالدین طوسی، م. (۱۳۶۷). اساس الاقتباس. (مصحح: م.ت. مدرس رضوی). تهران: دانشگاه تهران.

ذوعلم، ع. (۱۳۸۵). تجربه کارآمدی رهبری ولایی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رضوانی، م. (۱۳۸۴). کارآمدی حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱، ص. ۱۸۳-۲۱۶.

زهیری، ع.ر. (۱۳۹۷). درآمدی بر مسئله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

عراقی، ضیاءالدین. (۱۳۶۱ق). بدائع الافکار فی الأصول، تقریرات میرزا هاشم آملی. ج ۱. نجف اشرف: المطبعة العلمیه.

فاستر، م.ب. (۱۳۸۸). خداوندان اندیشه سیاسی. (چاپ چهارم، ج ۲). (مترجم: ع. رامین و ج. شیخ الاسلامی). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

لاریجانی، محمدجواد. (۲۰۰۱م). الحکومه: دراسات فی مشروعيتها و فاعليتها. بیروت: الغدير.

لک زایی، رضا. (۱۳۸۹). مبانی علوم انسانی از منظر قرآن کریم. قم: پژوهشگاه بین المللی المصطفی، چاپ دوم.



لغت نامه دهخدا، سایت واژه یاب؛ <https://www.vajehyab.com/dehkhoda>

Lob, E.S. (2013). An institutional history of the Iranian Construction Jihad From inception to institutionalization (1979-2011). Princeton University.



سال بیست و چهارم / شماره نود و چهارم / تابستان ۱۴۰۰

References

Holy Quran.

Akhavan Kazemi, B. (1383 AP). An Introduction to Efficiency in the Islamic Political System. Tehran: Contemporary knowledge and thought. [In Persian]

Alwani, M. (1378 AP). Theory of public choice and the necessity of change in the administrative structure. *Management Studies*, 6(23-24), 20- 52. [In Persian]

Ayatollah Khoemini. (1377 AP). Forty Hadith. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

Ayatollah Khoemini. (1378 AP). Sahifeh-ye Imam (Vols. 1, 3, 5, 7-8, 11, 13-17, 19-21). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

Ayatollah Khoemini. (1381). Philosophy Lectures (Vol. 2). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

Foster, M. B. (1388 AP). Gods of Political Thought (Fourth Edition, Vol. 2). (A. Ramin & J. Sheikh al-Islami, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]

Imam Khomeini and the Institutions of the Islamic Revolution. (1381 AP). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

Iraqi, Z. (1361 AH). Innovations of Thoughts in Usul (Lectures by Mirza Hashim Amoli). Najaf Ashraf: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]

Khwaja Nasir al-Din Tusi. (1367 AP). Asas al-Iqtibas (M. T. Modarres Razavi, Ed.). Tehran: University of Tehran. [In Arabic]

Lakzaee, R. (1389 AP). Fundamentals of humanities from the perspective of the Holy Quran (2nd ed.). Qom: Al-Mustafa International Research Institute. [In Persian]

Larijani, M. J. (2001). Government: Studies in legitimacy and activities. Beirut: Al-Ghadir. [In Persian]

Lob, E.S. (2013). An institutional history of the Iranian Construction Jihad from inception to institutionalization (1979-2011). Princeton University.



Rezvani, M. (1384). The efficiency of the Islamic government in Imam Khomeini's political thought. *Studies of the Islamic Revolution*, 1, 183-216. [In Persian]

Zahiri, A. R. (1397 AP). An introduction to the issue of efficiency in the Islamic Republic of Iran. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]

Zouelm, A. (1385 AP). Experience the efficiency of provincial leadership. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]



Vol 24, No. 94, Summer 2021

